



به دست آورد.

در این نوشتار به بررسی سیره
تربیتی امام حسن مجتبی علیه السلام
می پردازیم، به امید این که بتوانیم از راه
و روش آن پیشوای معصوم کمال بهره
را برده و در پرتو رهنمودهای نورانی
اش تربیت شویم.

ضرورت تربیت

انسان موجودی متعالی و دارای
استعداد رسیدن به کمال است و برای
سیر تکاملی خویش نیازمند پیروی از
یک روش تربیتی قوی و کامل
می باشد. انسان فاقد تربیت، فاقد همه

آغاز سخن:

برای ساختن جامعه‌ای نمونه و
تربیت انسان‌های کامل و سالم، اصول
و روش هایی لازم است که انسان در
سایه آن‌ها بتواند به دور از هر گونه
انحراف مسیر سعادت را ببیماید.

ارائه کامل ترین و سالم ترین
روش‌های اطمینان بخش تربیتی،
انسان را به سعادت حقیقی و زندگی
جاودانه و رضای پروردگار متعال
نزدیک می کند. این شیوه‌ها را می توان
از زندگی و رفتار و گفتار اسوه‌های
حقیقی دین اسلام و پیشوایان راستین

چیز است، پس باید به دنبال تربیت روح و روان خویش باشد.

امام مجتبیٰ علیه السلام در زمینه ضرورت تربیت روحی و معنوی انسان و تغذیه روان او می‌فرماید: «عَجِبْتُ لِمَنْ يَتَفَكَّرُ فِي مَا كُتِبَ كَيْفَ لَا يَتَفَكَّرُ فِي مَعْقُولِهِ، فَيَجَنَّبُ بَطْنَهُ مَا يُؤْذِيهِ وَيُؤَدِّعُ صُدْرَهُ مَا يَزِدُّ بِهِ»^۱ تعجب می‌کنم از فردی که در غذای جسمانی

خود فکر می‌کند (که سالم و بهداشتی باشد) اما در غذای روح و جان خویش نمی‌اندیشد، در نتیجه شکم خود را از غذاهای زیانبخش حفظ می‌کند ولی سینه‌اش را در مقابل آن چه آن را پست می‌گرداند رها می‌کند.

بخش اول: عوامل تربیت

الف: خانه و خانواده

خانواده از مهمترین عوامل تربیتی محسوب می‌شود که هدف از آن، ایجاد و پرورش نسل و هدایت آن به سوی اهداف صحیح تربیت می‌باشد. خانواده کانون مقدسی است که در پرتو پیوند زناشویی دو انسان پایه‌گذاری شده و با پیدایش فرزند جلوه‌ای تازه به خود می‌گیرد. نتیجه

این پیوند فرزندی است که هرکدام ممکن است در آینده سرباز یا سربار جامعه باشند. روانشناسان اجتماعی، خانواده را یکی از پاسداران آثار تمدن می‌دانند. در مورد تاثیر و نقش خانواده در روند صحیح تربیت از امام مجتبیٰ علیه السلام سخنان قابل توجهی به ما رسیده است.

نقش پدر صالح

پدر که رکن مهم خانواده است باید دارای شرایط و صفات پسندیده‌ای باشد. امام مجتبیٰ علیه السلام به مردی که برای نظر خواهی به حضورش آمده بود، فرمود: «شایسته

است که همسر دخترت مردی با تقوا و مومن باشد. زیرا اگر او دختر تو را دوست بدارد وی را احترام خواهد کرد و اگر از او خوشدل نباشد به وی ستم روا نمی‌دارد.»^۲

مطمئناً اگر پدر به عنوان مدیر خانواده فردی صالح و باایمان باشد همسر و سایر اعضای خانواده را در پرتو مهر و محبت خویش قرار داده و در اثر شایستگی‌های معنوی خویش،

در ایجاد محیطی آرام برای فرزندان موثر است، و نقش تعیین کننده‌ای از هنگام انعقاد نطفه تا رسیدن به سن آموزش کودکان دارد. به ویژه در دوران بارداری و هنگام شیر دادن که شخصیت روانی و اخلاقی کودک ساخته می‌شود، مادر منبع تغذیه مستقیم کودک می‌باشد.

بر این اساس ایمان و اخلاق و الدین که دو رکن مهم خانواده هستند شرط اساسی در نیل به اهداف بلند تربیت می‌باشند.

ب: دوستان

بعد از خانواده دوستان و هم‌بازی‌ها و هم‌کلاسی‌های یک کودک می‌توانند به عنوان یک عامل محیطی در تربیت و خلق و خوی او تاثیرگذار باشند. کودک و نوجوان گرایش زیادی به دوستان هم سن و سال خود دارد و بدون تردید این همنشینی و هم‌گرایی دوستان در یکدیگر موثر خواهد بود. البته معاشرت با دوستان صمیمی یک نیاز طبیعی است و لذت بخش‌ترین ساعات زندگی برای یک کودک و

کانون خانواده را به محیطی امن تبدیل نموده و زمینه تربیت فرزندان باایمان و مسؤولیت‌پذیر را فراهم خواهد نمود.

تأثیر مادر شایسته

مادر نقش قابل توجهی در رشد و شکوفایی استعداد فرزندان در محیط خانه دارد تا آن جا که یکی از عوامل سعادت و شقاوت انسان را در گرو اعمال مادر او دانسته‌اند. حضرت مجتبی علیه السلام در مورد نقش ویژه مادر در ساختار شخصیت افراد سخنی دارد که ما را در درک این مهم یاری می‌کند.

آن حضرت هنگامی که با معاویه مناظره می‌کرد، در مورد یکی از علل شقاوت معاویه و سعادت خویش به نقش مادر اشاره کرده و فرمود: «چون مادر تو همد است و در دامن چنین زن پست و فرومایه‌ای پرورش یافته‌ای این گونه اعمال زشت از تو سر می‌زند و سعادت ما خانواده در اثر تربیت مادرانی پاک همچون فاطمه علیها السلام و خدیجه علیها السلام می‌باشد.»^۳

مادر به عنوان یک موجود عاطفی

نوجوان لحظاتی است که با دوستان سپری می‌کند.

پیشوایان معصوم ما ضمن بیان اثرهای مثبت و منفی رفاقت و همنشینی، پیروان خود را به مصاحبت با افراد شایسته سوق داده‌اند.

حضرت مجتبیٰ علیه السلام در این رابطه به فرزندش می‌فرماید: «يَا بَنِي لَا تُؤَاخِرْ أَحَدًا حَتَّى تَعْرِفَ مَوَارِدَهُ وَ مَصَادِرَهُ فَإِذَا اسْتَنْبَطْتَ الْخُبْرَةَ وَ رَضَيْتَ الْعَشْرَةَ فَأَجِبْ عَلَيَّ إِقَالَةَ الْعَتْرَةِ وَ الْمُؤَاوِسَةِ فِي الْعُسْرَةِ»^۴

فرزندم! با هیچ کس دوستی نکن مگر این که از رفت و آمد (و خصوصیات روحی و اخلاقی) او آگاه گردی، هنگامی که دقیقاً بررسی

نمودی و معاشرت با او را برگزیدی، آنگاه با او براساس گذشت و چشم پوشی از لغزش‌ها و یاری کردن در سختی‌ها دوستی کن.

ج- تشکّل‌ها و محافل اجتماعی

انسان با رفت و آمد به مجالس و محافل، تحت تأثیر رفتارها و حرکات شرکت‌کنندگان در آنها قرار می‌گیرد. امام حسن مجتبیٰ علیه السلام در سخنی

هم به اصل تأثیر مجالس اجتماعی اشاره دارد و هم به شرکت در محافل سالم و مفید توصیه و ترغیب می‌فرماید، آن جا که می‌فرماید: «مَنْ أَدَامَ الْأَخْتِلَافَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِخْدِي ثَمَانٍ: آيَةٌ مُحْكَمَةٌ وَ آخَا مُسْتَفَادًا وَ عِلْمًا مُسْتَنْزَفًا وَ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً وَ كَلِمَةً تُدَلِّهُ عَلَى الْهُدَى أَوْ تُرَدُّهُ عَنْ رَدِي؛ هر کس پیوسته به مساجد برود یکی از هشت بهره را خواهد برد: آیه و نشانه‌ای محکم، برادری سودمند، علمی نو، رحمتی مورد انتظار، سخنانی که او را به راه راست هدایت می‌کند و یا سخنی که او را از هلاکت می‌رهاند.»^۵

بخش دوم: شبه‌های تربیت

۱- استفاده از حس کمال جویی

کودکان و نوجوانان فطرتاً کمالات و صفات زیبای انسانی را دوست دارند. مربی می‌تواند از طریق ارضاء صحیح تفوق خواهی، متریبان خود را به سوی اهداف مورد نظر خویش هدایت کند، و آنان را با دلگرمی و نشاط به کسب کمالات وادار سازد. امام مجتبیٰ علیه السلام روزی

فرزندان خود و فرزندان برادر خود را دعوت کرده و به آنان فرمود: «همه شما کودکان اجتماع امروز هستید و امید می‌رود که بزرگان جامعه فردا باشید، دانش بیاموزید و در کسب علم کوشش کنید، هر کدام که نمی‌توانید در مجلس درس مطالب استاد را حفظ کنید آن‌ها را بنویسید و نوشته‌ها را در منزل نگهداری نمایید تا در موقع لزوم مراجعه کنید.»^۶

آن حضرت با این روش صحیح تربیتی فرزندان را به کسب دانش و درس خواندن توغیب و تشویق می‌کند و آنان به این طریق با عشق و علاقه به دنبال کسب دانش و سایر کمالات بشری می‌روند و در این شیوه، نیازی به تهدید و مجازات نیست.

۲- معرفی اسوده‌های تربیت

کودک و نوجوان فطرتاً به دنبال الگو می‌گردد و این خواسته درونی او در حس تقلید وی جلوه می‌کند.

والدین و مربیان باید با معرفی الگوهای صحیح، حس تقلید او را جهت دهند. آن چه در این میان اهمیت

ویژه دارد شناساندن الگوهای راستین و نمونه‌های کامل در به وجود آوردن صفات پسندیده در نهاد فرزندان است. این شیوه در قرآن کریم فراوان دیده می‌شود. قرآن کریم با معرفی الگوهای کامل و بی‌عیب و نقص، در آموزش خوبی‌ها و کمالات و فضائل انسانی بهره می‌گیرد. حضرت مجتبی علیه السلام نیز به پیروی از قرآن در سیره تربیتی خویش این روش را دنبال می‌کند. آن حضرت بعد از شهادت علی علیه السلام خطابه بلیغی ایراد کرد و در ضمن آن به معرفی شخصیت ممتاز علی علیه السلام پرداخته و می‌فرماید: «ای مردم! در این شب مردی از دنیا رفت که در هیچ کار نیکی، پیشینیان بر او سبقت نگرفتند و بسندگان خدا در هیچ سعادت‌ی نمی‌توانند به او برسند، او به همراه پیامبر صلی الله علیه و آله جهاد می‌کرد و جان خود را فدای او می‌نمود.» آن گاه با شمردن صفات دیگر امیر مؤمنان علیه السلام او را به عنوان امام و الگوی مردم مطرح می‌کند.^۷

۳- ایجاد خودباوری و عزت نفس در

کودکان

به وجود آوردن خودباوری و عزت نفس در کودکان، آن‌ها را در زندگی آینده موفق‌تر خواهد نمود. این صفت زیبا را می‌توان از همان دوران کودکی و با شیوه‌های مختلف در او پرورش داد. برخی از آن شیوه‌ها عبارتند از:

یک) احترام به کودک

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بارها امام حسن و امام حسین علیهما السلام را در ایام کودکی احترام می‌نمود. روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشسته بود که آن دو کودک وارد شدند، پیامبر به احترام آن‌ها از جای برخاسته و به انتظار ایستاد، لحظاتی طول کشید، آن‌ها نرسیدند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله به طرف کودکان پیش رفت و از آنان استقبال نمود، بغل باز کرد و هر دو را بر دوش خود سوار نمود و به راه افتاد و به آنان فرمود: «فرزندان عزیز، مرکب شما چه خوب مرکبی است و شما چه سواران خوبی هستید!»^۸

در روایت دیگری عبدالله بن عباس می‌گوید: «با پیامبر صلی الله علیه و آله به خانه

فاطمه علیها السلام رفتیم. حسن علیه السلام (که کودکی بیش نبود) صورتش را شسته و تمیز و پاکیزه از منزل بیرون آمد. رسول خدا صلی الله علیه و آله حسن علیه السلام را در آغوش گرفته و بوسید و سپس فرمود: «این پسر من آقا است.»^۹

دو) همبازی شدن با او

کودکان و نوجوانان از بازی و ورزش لذت می‌برند و به این وسیله ضمن آشنایی بیشتر با جهانی که در آن زندگی می‌کنند رشد یافته و در عین حال فرصت‌های خوبی را برای بیان احساسات و عواطف خود می‌یابند. همبازی شدن والدین و بزرگترها با آنان در ایجاد خودباوری در وجودشان نقش مهمی دارد. ابورافع یکی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله روزی با امام حسن علیه السلام که کودک خردسالی بود، همبازی شد. آنان روی قرار دوش گرفتن از همدیگر بازی می‌کردند. هنگامی که نوبت سواری به ابورافع می‌رسید، حضرت مجتبی علیه السلام به او می‌فرمود: عجب دارم از تو که می‌خواهی بر دوش کسی سوار شوی که پیامبر صلی الله علیه و آله

و مکتب او باشد. سیره عملی امام مجتبی علیه السلام در نامگذاری فرزندان خویش گواه روشنی بر توجه آن حضرت به این مهم می باشد. نام فرزندان پسر آن حضرت عبارتند از: حسن، زید، قاسم، عمرو، عبدالله، عبدالرحمن، حسین، طلحه و نام فرزندان دختر او عبارتند از: ام الحسن، ام الحسین، فاطمه، ام عبدالله، ام سلمه، رقیه.^{۱۱}

چهار) مشورت با فرزندان

یکی از شیوه های شخصیت دادن به فرزندان، مشورت کردن با آنهاست. امام مجتبی علیه السلام ضمن توصیه به این کار پسندیده، با فرزندان خویش در موارد مختلف مشورت می کرد و بدین وسیله شخصیت آنان را پرورش داده و در آنها عزت نفس ایجاد می نمود. روزی معاویه بن خدیج به عنوان خواستگار به منزل آن حضرت آمد، حضرت مجتبی علیه السلام به او فرمود: «أَنَا قَوْمٌ لَا تُرْوَجُ نِسَاءَنَا حَتَّى تَسْتَأْمِرُنَّ»^{۱۲}

ما قومی هستیم که دختران خود را

او را بر دوش خود سوار می کند. وقتی نوبت سواری امام حسن علیه السلام می شد، ابورافع می گفت: همانطوری که تو به من سواری ندادی من هم تو را سوار نمی کنم. حضرت به او فرمود: آیا میل نداری کسی را که پیامبر صلی الله علیه و آله بر دوش خود می نشاند بر دوشت سوار کنی؟ ناچار ابورافع طفل را بر دوش خود سوار می کرد.

شخصیت روحی این کودک از خلال گفتار و کیفیت استدلالش پیداست. طفلی را که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در آغوش خود پرورش داده و شخصیت روانی او را احیاء نموده است، بزرگی خود را باور دارد و هرگز با ذلت و زبونی سخن نمی گوید.^{۱۰}

سه) انتخاب نام زیبا برای کودک

نام کودک نقش مهمی در شخصیت او ایفا می کند. باید برای طفل نامی را انتخاب کرد که بعدها به خاطر آن مورد استهزاء و تحقیر قرار نگیرد و در آینده احساس حقارت نکند. نامی که یادآور وابستگی او به خداوند متعال بوده و نشانگر فرهنگ

بدون نظرخواهی و مشورت با خودشان، شوهر نمی‌دهیم.»

پنج) سلام کردن به کودکان

حضرت مجتبیٰ علیه السلام می‌فرماید:

«هرکس قبل از سلام کردن به

سخن آغاز کند، او را جواب ندهید.»^{۱۳}

این سخن در مورد معاشرت والدین با کودکان اهمیت ویژه‌ای می‌یابد، زیرا کودکی که به او سلام داده شود و بدین وسیله از وی احترام نمایند، لیاقت و شایستگی خود را باور می‌کند و از همان دوران کودکی احساس می‌کند که دیگران برای او اهمیت و ارزش قائل هستند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «پنج چیز

را تا لحظه مرگ ترک نمی‌کنم... یکی از

آن‌ها سلام دادن به کودکان است.»^{۱۴}

۴- مطابقت رفتار با گفتار:

والدین و مربیان اگر به گفته‌های خویش جامه عمل بپوشانند، بهترین و مؤثرترین و پرثمرترین شیوه را در تربیت به کار گرفته‌اند و به طور غیرمستقیم و ناخودآگاه متربیان را تحت تاثیر قرار داده‌اند. پندها و

نصیحت‌های مربیان و والدین زمانی بر فرزندان موثر واقع خواهد شد که آنان هر یک نمونه‌ای عملی از آن توصیه باشند و گفتار خویش را با عمل هماهنگ سازند.

حضرت امام حسن مجتبیٰ علیه السلام

یکی از دوستان خود را که شایسته تمجید آن بزرگوار بود با صفات زیبایی معرفی کرد و در ضمن خصلت‌های پسندیده او می‌فرمود: «كَأَنَّ لَا يَقُولُ مَا لَا يَفْعَلُ وَ يَفْعَلُ مَا لَا يَقُولُ»^{۱۵} او آن چه را که عمل نمی‌کرد، نمی‌گفت و کارهایی را که نگفته بود انجام می‌داد.»

بی‌نوشت‌ها:

۱. الدعوات، قطب الدین راوندی، قم، مدرسه الامام المهدی، ۱۴۰۷ ه. ق. ص ۱۴۴ و ۱۴۵.
۲. مکارم الاخلاق، ص ۲۳۳.
۳. احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۲۷۹.
۴. تحف العقول، ص ۲۳۳.
۵. تحف العقول، ص ۲۳۵.
۶. منیة المرید، ص ۳۴۰.
۷. منتهی الآمال، ج ۱، ص ۲۲۵.
۸. کودک فلسفی، ج ۱، ص ۱۱۵.
۹. اعلام الوری، ص ۲۱۱.
۱۰. کودک فلسفی، ج ۲، ص ۱۳۳.
۱۱. الارشاد، ج ۲، ص ۱۶.
۱۲. حیاة الحسن علیه السلام، ج ۱، ص ۳۲۹.
۱۳. مسند الامام المجتبیٰ علیه السلام، ص ۶۸۸.
۱۴. النخصال، ج ۱، ص ۲۷۱.
۱۵. تحف العقول، ص ۲۳۴.